

## \* چکیده

در عصر ارتباطات دیجیتال، نظام‌های آموزشی در سراسر جهان با چالش‌ها و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای مواجه هستند. مدل سنتی آموزش که بر پایه انتقال یکطرفه دانش از معلم به دانش‌آموز در محیطی ثابت و با محتوای یکسان برای همه بنا شده بود، پاسخ‌گوی نیازهای پیچیده، پویا و متغیر جامعه نوین و اقتصاد دانش‌بنیان نیست. در این مقاله این موضوع را به طور جامع بررسی می‌کنیم که ارتباطات (به ویژه ارتباطات دیجیتال و شبکه‌ای) چگونه افق آموزش را از حالت صرفاً سنتی و معلم‌محور به سمت رویکردهای نوین و دانش‌آموز‌محور، نظیر آموزش شخصی‌سازی شده، منعطف و مؤثر، سوق می‌دهد. مادر این نوشتار به دنبال پاسخ این پرسش‌های اساسی هستیم:

فناوری‌های نوین ارتباطی چگونه مرزهای فیزیکی آموزش را درنوردیده و دسترسی بی‌حد و حصر به دانش را موجب شده‌اند؟

چالش‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی این رویکردهای جدید در نظام‌های آموزشی فعلی کدام‌اند و چگونه می‌توان بر مانع‌های احتمالی غلبه کرد؟

چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم ارتباطات و فناوری، مهارت‌های حیاتی قرن ۲۱ (مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، خلاقیت و همکاری) را در فراگیرندگان پرورش داد؟

## کلیدواژه‌ها

آموزش شخصی‌سازی شده، هوش مصنوعی در آموزش، یادگیری تطبیقی، ارتباط دیجیتال، آموزش ترکیبی، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده در آموزش

## \* مقدمه

آموزش همواره ستون فقرات توسعه فردی و اجتماعی بوده است. از جامعه‌های ابتدایی که در آن‌ها دانش به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد، تا عصر اختراع چاپ و گسترش سوادآموزی، هر دوره تاریخی در حوزه آموزش با تحولات خاص خود همراه بوده است، اما هیچ دوره‌ای به اندازه عصر حاضر شاهد چنین سرعت و عمقی در تغییرات نبوده است. انقلاب دیجیتال، با محوریت فناوری‌های ارتباطی، ما را به نقطه عطفی رسانده است که در آن مفاهیم سنتی کلاس درس، معلم و حتی یادگیرنده، دچار دگرگونی و بازنمایی شده‌اند. در گذشته‌ای که چندان دور، کتاب، تخته سیاه و حضور فیزیکی در کلاس، ارکان اصلی فرایند آموزش را تشکیل می‌دادند. اما امروزه اینترنت، بسترهای تعاملی، واقعیت مجازی و هوش مصنوعی، ابزارهای جدیدی را در اختیار ما قرار داده‌اند که ظرفیت بی‌نظیری برای ارتقای کیفیت و دسترسی به آموزش دارند. این تغییرات صرفاً ابزاری نیستند، بلکه نوعی

## بخش اول

## از تخت‌سیاه

زهرا اسادات الطافی  
دکترای مدیریت رسانه

تحول روش شناختی را نشان می‌دهند. ما از مدلی که در آن «همه یکسان یاد می‌گیرند» به سمت مدلی حرکت می‌کنیم که در آن «هر فرد به شیوه خود و با سرعت خود یاد می‌گیرد.»

در این مقاله سفری هیجان‌انگیز خواهیم داشت از آموزش سنتی تا افق‌های نوین آموزش شخصی‌سازی شده.

در ابتدا توجه به دو نظریه در خصوص لزوم تحول‌گرایی در آموزش، افق این مسیر را روشن‌تر می‌کند.

**کن رایبِنسون**، متخصص آموزش و پرورش، منتقد سرسخت نظام‌های آموزشی صنعتی‌ای که خلاقیت را سرکوب می‌کنند، معتقد بود: «آموزش باید نه تنها دانش، بلکه خلاقیت و نوآوری را نیز پرورش دهد. هوش متنوع است و مدرسه‌ها باید این تنوع را جشن بگیرند، نه اینکه آن را استاندارد کنند.» دیدگاه او بر اهمیت شخصی‌سازی و کشف استعداد‌های فردی در آموزش تأکید داشت که با رویکرد آموزش شخصی‌سازی شده کنونی همخوانی کامل دارد.

از منظر دینی نیز تأکید بر طلب علم و دانش به عنوان یک فریضه و تکلیف دینی برای هر مسلمان، اعم از مرد و زن، مطرح شده است: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳). این حدیث نشان‌دهنده فراگیر بودن و نامحدود بودن یادگیری است و می‌تواند با مفهوم یادگیری مادام‌العمر و دسترسی برابر به آموزش همخوانی داشته باشد. اسلام دانش را به مکان یا زمان خاصی محصور نمی‌داند. آیه‌های متعددی در قرآن کریم بر اهمیت «تفکر، تدبیر (اندیشه عمیق) و تأمل» در هستی و پدیده‌ها تأکید می‌کنند. این تأکید بر درک عمیق، تحلیل و استنتاج، در مقابل محفوظات صرف اطلاعات، با رویکرد آموزش شخصی‌سازی شده که بر یادگیری فعال، حل مسئله و پرورش تفکر انتقادی تمرکز دارد، کاملاً سازگار است. این دیدگاه‌ها می‌توانند به عنوان مبنای طراحی نظام‌های آموزشی نوین، که نه تنها به انتقال دانش، بلکه به پرورش اندیشه‌های پویا و جست‌وجوگر می‌پردازند، عمل کنند.

ظهور اینترنت پرسرعت، دستگاه‌های هوشمند، سکوها بر خط یادگیری و پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، نحوه دسترسی به اطلاعات، تعاملات انسانی و فرایند یادگیری را از اساس متحول کرده است. این تغییرات ضرورت بازنگری عمیق در فلسفه، اهداف، روش‌ها و ابزارهای آموزشی را بیش از پیش نمایان می‌کند.

## افق نوین آموزش باتکیه بر ارتباطات

اما آموزش سنتی با وجود قدمت طولانی و نقش انکارناپذیرش در تربیت نسل‌ها، نقاط قوت و ضعف مشخصی دارد که در عصر حاضر ضعف‌های آن بیشتر نمایان می‌شوند.

### \* نقاط قوت

- / ساختار منظم و چارچوب مشخص؛
- / تعامل چهره‌به‌چهره و پرورش مهارت‌های اجتماعی به خاطر حضور فیزیکی در کلاس درس، که به توسعه مهارت‌های ارتباطی، همکاری و حل اختلاف کمک می‌کند.
- / ایجاد حس اجتماع و هویت مدرسه‌ای به دلیل وجود حس تعلق و هویت مشترک.
- / انضباط و مسئولیت‌پذیری با پیاده‌سازی روال‌های ثابت آموزشی.

### \* محدودیت‌ها

- / یکپارچگی و توجه نکردن به تفاوت‌های فردی با رویکرد «یک اندازه برای همه» که تفاوت‌های چشمگیر در سبک‌های یادگیری (دیداری، شنیداری، جنبشی)، سرعت یادگیری، علاقه‌ها و هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان را نادیده می‌گیرد.
- / محتوای ثابت و انعطاف‌ناپذیری در دنیایی که با سرعت سرسام‌آوری در حال حرکت و تغییر است. این تحجر به منسوخ شدن سریع اطلاعات و انطباق نیافتن آن با نیازهای بازار کار منجر می‌شود.
- / نقش غالب و انحصاری معلم به عنوان منبع نشر دانش و در نتیجه وابستگی دانش‌آموز به معلم و کاهش روحیه جست‌وجوی و خودراهبری.
- / محدودیت‌های میدانی از جمله نیاز به حضور فیزیکی در مکان و زمان مشخص و ایجاد محدودیت برای ساکنان مناطق دورافتاده، افراد دارای ناتوانی جسمی، شاغلان و...
- / نبود دسترسی برابر به منابع، به دلیل تفاوت کیفیت مدرسه‌ها و منابع آموزشی در مناطق گوناگون (شهری و روستایی، مرفه و محروم).
- بر همین اساس و همراه با موج تغییرات نظام اجتماعی و سیاسی، شاهد تغییر در نظام آموزشی هستیم.

### \* عصر ارتباطات

#### و آغاز تحول آموزشی

در فراسوی مرزهای کلاس درس، با ورود به عصر ارتباطات و انقلاب دیجیتال، معیارها و ضوابط حاکم بر تمامی جنبه‌های زندگی، از جمله آموزش، دستخوش تغییرات عمیقی شدند. این تحول صرفاً به معنای

# صفحه نمایش





افزودن چند ابزار جدید به کلاس درس نیست، بلکه اساساً تغییر ماهیت یادگیری محل مناقشه است.

**/ انفجار اطلاعات و دسترسی آزاد، هم‌زمان با ظهور اینترنت به‌عنوان شبکه جهانی اطلاعات، با موتورهای جست‌وجوی قدرتمند، به‌خودی‌خود نقش معلم را از منبع انحصاری دانش به راهنما و تسهیلگر مسیر یادگیری تغییر داد.**

**/ سکوهای برخط یادگیری (ال‌ام‌اس و موک‌ها)، دوره‌های آموزشی گسترده مانند کورس‌را، ادکس<sup>۱</sup>، یوداسیتی<sup>۲</sup> و آکادمی خان، انقلابی در دسترسی به آموزش با کیفیت ایجاد کرده‌اند که محتوای آموزشی دانشگاه‌های تراز اول جهان را به‌صورت رایگان یا با هزینه کم در اختیار میلیون‌ها نفر قرار داده‌اند.**

**/ ابزارهای نوین ارتباطی و تعاملات شبکه‌ای مانند دورسخنی (ویدئوکنفرانس)، (مایکروسافت تیمز و زوم)، پیام‌رسان‌ها (بله و شاد و...)، امکان همکاری، بحث و تبادل نظر بین دانش‌آموزان و معلمان را بدون محدودیت مکانی فراهم کرده و زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌های یادگیری مجازی با تعاملات دوطرفه و چندطرفه بین افراد شده‌اند.**

**/ تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده به تسهیلگر، به‌نحوی که در این عصر معلم دیگر تنها منبع دانش نیست، بلکه نقش او به‌راهنما، طراح تجربه یادگیری و تسهیلگر خلاقیت تغییر یافته است تا مهارت‌های تفکر انتقادی و ارزیابی منابع را به دانش‌آموزان بیاموزد و فضایی برای کشف و یادگیری مستقل فراهم آورد.**

**مفهوم یادگیری مادام‌العمر<sup>۳</sup>: با سرعت سرسام‌آور تغییرات فناورانه و نیازهای بازار کار، دیگر نمی‌توان با اتکا به دانش آموخته‌شده در دوران مدرسه یا دانشگاه، یک عمر حرفه‌ای را با موفقیت طی کرد. افراد باید به‌طور مداوم در حال یادگیری مهارت‌های جدید، به‌روزرسانی دانش خود و انطباق با محیط باشند.**

بازآفرینی آموزش سنتی در عصر ارتباطات، فراتر از افزودن صرف چند ابزار دیجیتال به کلاس درس است. این فرایند مستلزم تحول در هدف‌گذاری و نگرش ما به یادگیری و تدریس است. با گذار از مدل‌های بسته انتقال‌دهنده دانش به رویکردهای دانش‌آموزمحور، فناورانه و مهارت‌محور، می‌توانیم نسلی توانمند، خلاق و آماده برای چالش‌های آینده تربیت کنیم. این تحول نیازمند همکاری نزدیک دولت‌ها، مؤسسه‌های آموزشی، معلمان، والدین و خود دانش‌آموزان است تا با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم عصر ارتباطات، ساختن آینده‌ای روشن‌تر در حوزه آموزش را نوید دهیم. این بازآفرینی نه تنها یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای بقا و پیشرفت در دنیای به‌سرعت در حال تغییر امروز است.

#### پی‌نوشت‌ها

1. edX
2. Udacity
3. Lifelong Learning

#### منبع

1. Huntington, Samuel P. (1996). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster

۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. ج ۱، ص ۳۰. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

ادامه این مبحث را در شماره بعدی مجله دنبال کنید تا مفاهیمی چون آموزش شخصی‌سازی شده، نمونه‌هایی عینی از سبک آموزشی نوین جهان و چالش‌ها و فرصت‌های این تحول را بررسی کنیم. ❁